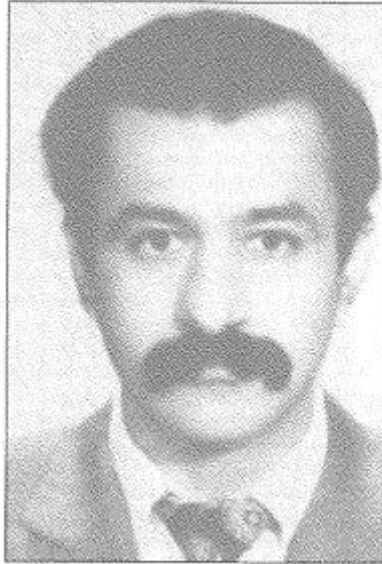


در باره زندگی چریک فدائی خلق رفیق جهانگیر باقری پور



جهانگیر باقری پور

چریک فدائی خلق رفیق جهانگیر باقری پور ، در سی ام دی ماه سال ۱۳۱۷ در خانواده ای کارگری در شهرستان مسجد سلیمان از شهرهای نفتی خوزستان به دنیا آمد. در سال های ۲۹ تا ۳۲ که دکتر محمد مصدق با شعار ملی کردن صنعت نفت بر سر کار آمده و جو جامعه شدیداً ملتهب و سیاسی شده بود، ده ها حزب و گروه سیاسی که مهمترین شان جبهه ملی و حزب توده بودند ، در سراسر ایران فعالیت می کردند. در این دوره سیاست وارد زندگی مردم شده و خانواده ها به طرفداری و یا مخالفت با این یا آن گرایش سیاسی در جامعه تقسیم شده بودند. این امر در خانواده رفیق جهانگیر هم صادق بود. در این خانواده در حالی که پدر ، گرایشات مصدقی داشت ، بستگانی بودند که از حزب توده طرفداری می کردند. این وضع باعث شد که رفیق جهانگیر که در دوران نوجوانی و در سنین ۱۴-۱۵ سالگی خود با گرایشات سیاسی و از جمله با گرایشات چپ و مارکسیستی آشنا شود.

این سال های پرشور مبارزات مردم ایران با کودتای امپریالیستی (آمریکائی- انگلیسی) ۲۸ مرداد و سرکوب ددمنشانه مبارزات مردم کاملاً دگرگون شد. کودتای ۲۸ مرداد پاسخ امپریالیست ها و طبقات حاکمه در ایران به خواسته هائی بود که مردم ایران از توده های تحت ستم شهری گرفته تا دهقانان در صدد تحقق آن ها بودند. این کودتا عدم آمادگی و عدم صلاحیت سازمان های سیاسی جهت رهبری مردمی که آماده مبارزه برای رسیدن به خواست های شان بودند را با وضوحی هر چه تمامتر در مقابل چشم همگان به نمایش گذاشته و ضعف ها و خیانت های آن ها را آشکار نمود.

رفیق جهانگیر در شرایطی که احزاب و سازمان های سیاسی به دلیل ندانم کاری ها و ماهیت سازشکارانه خود در نزد مردم بی اعتبار شده بودند ، همچون بسیاری از جوانان مبارز دیگر در شرایط سلطه اختناق شدید بعد از کودتا از فعالیت سیاسی باز ماند. وی پس از گرفتن دیپلم و معاف شدن از

خدمت سربازی ابتدا آموزگاری پیشه کرد اما بعد از مدتی آن را کنار گذاشت و به توصیه پدر در آزمون استخدامی شرکت نفت شرکت کرده و پس از گذراندن دوره آموزشی در سن بیست و دو سالگی به عنوان کارمند در بخش صدور نفت در شهرستان ماهشهر مشغول به کار شد.

جهانگیر در این سال ها ضمن مطالعه پیگیر هرگز از کمک های گوناگون به دوستان و آشنایان پیرامون خود دریغ نمی ورزید و توانسته بود روابط گسترده ای دور خود ایجاد نماید. در بستر همین روابط بود که وی یک محفل سیاسی - مطالعاتی سازمان داد و با ضبط گفتارهای سیاسی و تئوریک از رادیو های خارجی ، به تهیه جزوه های سیاسی در مورد مسائل سیاسی - اجتماعی ایران و مطالعه آن ها پرداخت. در پی این فعالیت ها ، محفل شکل گرفته اش که از جمعی از دوستان و نزدیکان اش تشکیل شده بود مورد شناسایی ساواک قرار گرفت. به این ترتیب رفیق جهانگیر در خرداد ۱۳۴۷ به اتهام فعالیت در یک گروه کمونیستی که به اندیشه مائوتسه دون ، رهبر کمونیست انقلاب چین معتقد بوده و راه انقلاب چین را مناسب شرایط ایران می دانست ، در مسجد سلیمان دستگیر و به دو سال زندان محکوم شد. در زندان ، دوستی و رفاقت جهانگیر با برخی از شاعران و نویسندگان و فعالان چپ خوزستان که به علت فعالیت های سیاسی و ادبی در زندان اهواز محکومیت یک یا دو ساله خود را می گذراندند ، تأثیر مبارزاتی خوبی روی او گذاشت.

رفیق جهانگیر پس از تحمل دو سال زندان در خرداد ۱۳۴۹ از زندان آزاد گردید. ولی پس از آزادی از زندان نیز به دوستی و رفاقت خود با همبندان سابق خود ادامه داد و هرگز از مطالعه و آموزش باز نماند. مدتی بعد از آزادی از زندان ، او در بانک ایران و خاورمیانه در تهران استخدام و با برخی از همبندان سابق خود همخانه شد. در این زمان دیگر با شروع مبارزه مسلحانه از سوی چریکهای فدائی خلق فضای جامعه تغییر کرده و جنب و جوش مبارزاتی فضای رکود و سکون و یأس و ناامیدی را فرا می گرفت. مبارزات و جانفشانی های رزمندگان جنبش مسلحانه ، بن بست حاکم بر مبارزات توده ها را در هم شکسته و شرایط نوینی را شکل داده بود که نوید گسترش مبارزات مردمی جهت رهائی از سلطه دشمن را می داد. در این شرایط به خصوص گرایش روشنفکران انقلابی به راه تازه ای که چریکهای فدائی در مقابل جنبش گذاشته بودند ، با استقبال هر چه وسیع تری مواجه می شد. رفیق جهانگیر در این سال ها ضمن زندگی و کار به فعالیت سیاسی - اجتماعی و دفاع از جنبش مسلحانه هم می پرداخت.

در فاصله بین سال های ۵۰-۵۴ ، خانه رفیق جهانگیر و دوستانش به خانه موقت زندانیان آزاد شده از زندان و دانشجویان و محافل سیاسی و نویسندگان و هنرمندانی تبدیل شده بود که به دلایلی به محلی جهت سکونت و کمک مالی نیاز داشتند. در این روند بود که رفیق جهانگیر با یکی از اعضای چریکهای فدائی خلق ، رفیق بهزاد امیری دوان آشنا شد و این آشنائی منجر به در ارتباط قرار گرفتن او با سازمان چریکهای فدائی خلق گردید. او در حالی که علنی زندگی می کرد نقش پوششی و تدارکاتی برای تیم های مخفی سازمان را به عهده داشت.

در هفتم مهر ماه سال ۵۴ ، به دنبال لو رفتن گروهی سیاسی در مسجد سلیمان که با رفیق جهانگیر در ارتباط بودند ، ساواک در صدد دستگیری رفیق جهانگیر بر آمد. ولی او توانست با جسارت ، مأموران ساواک را فریب داده و از دست آنان بگریزد. او به هنگام فرار به علت پریدن از خانه ای سه طبقه دچار

شکستگی از ناحیه قوزک پا شد. ولی با کمک رفقاییش، توانست با اسم جعلی برای مدتی در بیمارستانی تحت درمان قرار گرفته و بهبود یابد. رفیق جهانگیر در بیست و هفتم دی ماه سال ۵۳ ازدواج کرده بود. ثمره این ازدواج، دختری به نام "ندا" ست که سه ماه پس از فرار و مخفی شدن جهانگیر در آذر ماه سال ۵۴ متولد شد.

رفیق جهانگیر با توجه به بازجویی هایی که ساواک از خانواده و همسرش کرده بود و با توجه به گستردگی تعقیب و مراقبت های ساواک در آن زمان به توصیه سازمان به زندگی مخفی روی آورد. عمر این دوره از مبارزه او کوتاه و حدود شش ماه بود. چون وی در جریان یورش بزرگ و گسترده ساواک به سازمان چریکهای فدائی خلق در سال ۱۳۵۵، در درگیری با نیروهای سرکویگر ساواک به شهادت رسید. متأسفانه ابعاد ضربات سال ۵۵ آن قدر وسیع بود که از زمان و مکان شهادت رفیق جهانگیر اطلاع دقیقی در دست نیست. اما در کتابی که وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در باره چریکهای فدائی خلق در بهار سال ۱۳۷۸ منتشر نمود در باره این چریک فدائی خلق نوشته شده که در جریان حمله ساواک در سال ۵۵ به یکی از پایگاه های سازمان چریکهای فدائی خلق در کوی کن "دو فرد ناشناس دیگر کشته می شوند" که احتمالاً جهانگیر باقری پور یکی از آن ها بوده است. می دانیم که در پایگاه کوی کن که در ۲۶ اردیبهشت سال ۵۵ مورد یورش ساواک قرار گرفت، رفقا عزت غروی (رفیق مادر)، قربانعلی زرکاری، محمد رضا قنبرپور به شهادت رسیدند، در حالی که از هویت دو رفیق دیگر که در این پایگاه به شهادت رسیدند، اطلاعی در دست نبود.

در هر صورت اگر رفیق جهانگیر باقری پور در ۲۶ اردیبهشت سال ۱۳۵۵ در پایگاه کوی کن به شهادت رسیده باشد، در واقع این یار و همراه کارگران و ستمدیدگان در سن سی و هشت سالگی برای همیشه یارانش را ترک نموده است.

یاد رفیق شهید جهانگیر باقری پور گرامی و راهش پر رهرو باد !